

برنده اسکار برای افراد بی‌خانمان اجرا کرد

انیو موریکونه، آهنگساز مشهور ایتالیایی که سال پیش برای ساختن موسیقی متن فیلم «هشت نفرت انگیز» برنده جایزه اسکار شد، یک قطعه موسیقی کوتاه جدید با عنوان «خدا، یکی از ما» را در کنسرتی ویژه شنبه شب در واتیکان برای افراد بی‌خانمان اجرا کرد.



گزارش

خنیباگر در کنار یار دیرینش آرام گرفت

بودش صدا مناسب

و اشعار هم نکو

گروه ادب و هنر شهرستان باخرز دیروز یکشنبه ۲۳ آبان شاهد مراسم تشییع پیکر محمدابراهیم شریف‌زاده‌از استادان نامدار موسیقی منطقه تربت جام بود. دوستداران موسیقی نواحی این خنیباگر مقامی را از مقابل منزلش تا آرامگاهش همراهی کردندتا پیکر اودر کنار یار دیرینش استاد حسین سمندری برای همیشه آرام بگیرد. اوبه مدت ۶۰ سال با غلامحسین سمندری از دوتارنوازان شهیر باخرزی همکاری داشت که آلبوم موسیقی «خون پاش و نغمه‌ریز» یادگار همکاری این دواستاد بود. شریف‌زاده و سمندری با هم شهره شده بودند و مشهور است که مهدی اخوان ثالث بعد از شنسیدن اسر و خرامان «این دوشعر معروف دوتار سمندری را نوشت و خطاب به حسین سمندری سرود: «قران زخمه‌های تو، خون پاش و نغمه‌ریز / سبزه پری است اینکه می‌زنی یا شستر خجو؟» تو با دوسیم، محشر کبری به پا کنی / شش تار خویش من شکمم یا نه؟ هان بگو...» در همین شعر است که اخوان خطاب به شریف‌زاده می‌گوید: «آقاشریف‌زاده که همراه ساز بود / بودش صدا مناسب و اشعار هم نکو / آقای شهر و این همه خوش ذوق و اهل دل / لطفی کن و سلام مرا عرض کن به او...»

شریف‌زاده در سال‌های اخیر دچار بیماری آلزایمر شده بود و تنها دخترش از او در شرایط دشوار بیماری

🔖 **محمدابراهیم شریف‌زاده**

نگهداری می‌کرد. این استاد موسیقی آخرین اجرای صحنه‌ای خودرا در مراسم اختتامیه دومین فستیوال آئینه‌دار انجام داد. علی‌مغازه‌ای از پژوهشگران موسیقی نواحی درباره او گفته است: «اگر به خانه‌اش می‌رفتیدمتأثر می‌شدید. آوتنها زندگی می‌کردوبه جزدخترش، مونسى نداشت. استاد سمندری که یارش بود، چند سال قبل از دنیا رفته بود. به تازگی جوانان تربت جام به عیادتش می‌رفتند و سعی می‌کردند به او برسند. کسی برای ثبت این آوازها به سراغ او نرفت و هنگامی هم که من به سراغش رفتم، حافظه‌اش یاری نمی‌کرد. سال‌های ۴۰ دوران طلایی این دو هنرمند بود. بعد از انقلاب به سمت نوحه‌خوانی، موزنی ومکبری کشیده شدند و در منطقه هم او را آخوند می‌نامیدند. همین سبک جدید زندگی موجب شد از آوازخوانی فاصله بگیرد، زیرا شأن و شخصیت مذهبی موجب می‌شد که احساس کنداینکه در جامعه هم موزن باشد و هم ترانه و تصنیف بخواند، خوب نیست، بنابراین چهار مشکلاتی در این زمینه بود.»

محمد رضا درویشی از پژوهشگران مهم موسیقی نواحی و مقامی نیز گفته‌است: «در شورای عالی ارزشیابی هنرمندان کشور وقتی فهمیدند که خنیباگر موسیقی، آلزایمر دارد و «مرده‌شور» بوده، نشان درجه یک هنری او را منتفی کردند.»

داستان

دعوت به خواندن داستان بلند «سندروم زندگی نامعتبر»

سرک کشیدن در تاریخ

مرتضی احمدی نجات داستان‌نویس **داستان نویسنده** «سندروم زندگی نامعتبر» نخستین داستان بلند میثم خیرخواه، داستان نویس جوان کاشانی و دومین کتاب از این نویسنده جوان منتشر شد. «سندروم زندگی نامعتبر» سرگذشت خواندنی رضا پارسی آخرین بازمانده نسل پارسی است که از کاشان موطن پدری‌اش (مانند خود نویسنده) ۱۵ سالی است که به تهران مهاجرت کرده و در یک موسسه به عنوان مهندس سخت‌افزار مشغول کار است. پارسی کاشانی در «سندروم زندگی نامعتبر» در هشت فصل و به‌صورت نامحسوس با خرده‌روایت‌های جداگانه از یک شخصیت کاملاً منفعل به یک باغی تمام‌عیار تبدیل می‌شود که حضور هیچ‌کس را جز «هامون» همخانه‌وارش، شلخته و فیلسوف‌مآب‌اش تاب نمی‌آورد. این خرده‌روایت‌ها گاهی سرگی هم به تاریخ می‌زند، جایی که پدر جدرضا پارسی تون تاب حمام‌شاهی در باغ تاریخی فین است. همان روزی که به او امر می‌شود حمام را برای امیر گرم کند و او خوشحال از اینکه امر مورد عفو قرار گرفته است، ولی از شیشه‌های نورگیر حمام شاه‌ی شاه‌زدن رگ‌های میرزاتقی‌خان امیرکبیر می‌شود. «سندروم زندگی معتبر» که حاصل ۹ سال کار و تحقیق میثم خیرخواه است در ۱۲۰ صفحه توسط نشر هیلا تهران چاپ و روانه بازار نشر شده است. میثم خیرخواه، زاده ۱۳۵۹ کاشان، روزنامه‌نگار و داستان‌نویس، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی و در حال حاضر کارمند در یک شرکت کارگزاری بورس است که بیش از ۱۵ سال سابقه کار داستان‌نویسی دارد و «سندروم زندگی نامعتبر» دومین کتاب داستانی است که از این نویسنده منتشر می‌شود. «شاخه‌های عزیز اناربن» نخستین اثر داستانی وی شامل چند داستان کوتاه در سال ۹۳ منتشر شده بود.

عمرم در این مدت تلف نشده‌است

دوستان عبدالله کوثری برای هفتاد سالگی این مترجم برجسته جشنی برگزار کرده‌اند و او هم گفته است: «به جای گذراندن وقت در جاهای دیگر با بزرگان فرهنگی ایران و جهان نشست و برخاست داشته‌ام و از آنچه نوشته‌اند لذت برده‌ام. اگر کتاب‌های من مخاطب داشته‌به من یادآوری می‌کند که عمرم در این مدت تلف نشده‌است.»



آیدین آغداشلو غزلیات عاشقانه سعدی را دکلمه کرده‌است و هر کدام از این غزلیات را خواننده نام‌آشنایی خوانده است. علی اصغر شاه‌زیدی، محسن کرامتی، علی جهاندار، مظفر شفییعی و حمیدرضا نوربخش خوانندگان آلبومی هستند که غزلیات آن را آیدین آغداشلو دکلمه کرده‌است. این آلبوم از مجموعه‌ای خواهد بود که آغداشلو شعرهای دیگری از رودکی، خیام، نظامی و... به همراه اشعاری از ۱۸ شاعر معاصر دکلمه کرده‌است. آغداشلو در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از نام‌های برجسته شعر معاصر از جمله رضا براهنی، سیمین بهمهانی، محمدعلی سپانلو، عمران صلاحی، حسین منزوی، علی باباجاهی، محمد مختاری، منصور اوجی، بیژن جلالی و... یاد می‌کند. تنظیم و آهنگسازی این آلبوم‌ها هم با پیمان سلطانی است که به گفته آغداشلو کار آن را از سال ۷۵ شروع کرده‌است. سلطانی در سال ۱۳۹۰ سوئیت سمفونیک «وشتن» را براساس اشعار سعدی برای ارکستر سمفونیک، سازهای ملی و آواز نوشت که نوازندگان ارکستر فیلارمونیک ارمنستان در سال ۱۳۹۲ در ایروان اجرا و ضبط کردند. آغداشلو از چهره‌های شاخص هنرهای تجسمی است که آثار او شهرتی جهانی دارد.

گفت و گوی خبری

خبری به دست ما رسیده‌است مبنی بر اینکه شما عاشقانه‌های سعدی را دکلمه می‌کنید. این همکاری چطور شکل گرفت؟ من تازه به ایران برگشته‌ام و خبر آماده شدن این آلبوم را تازه از شما می‌شنوم.

شما عاشقانه‌های سعدی را با آهنگسازی پیمان سلطانی دکلمه کرده‌اید و برخی از خوانندگان شاخص آواز خوانی کرده‌اند.

نزدیک ۴۰ غزل و جاهای دیگری از دیوان سعدی را شرحوانی کرده‌ام و این پروژه چندساله بوده که آرام آرام و ظاهراً به نتیجه رسیده است.

انتخاب غزل‌ها به عهده شما بود؟ و بر چه اساس آنها را انتخاب کردید؟

خودم آنها را انتخاب کردم و بیشتر غزل‌هایی بوده که معمولاً وقتی دلم تنگ می‌شود به سعدی مراجعه می‌کنم و آنها را می‌خوانم و اغلب‌شان غزل‌های مورد علاقه خودم بود و این در طول زمان نسبتاً کوتاهی ضبط شد و من دیگر از آن خبر نداشتم چون به عهده پیمان سلطانی بود که مراحل اجرای آن را دنبال کند.

انتخاب غزل‌ها به عهده شما بود؟ و بر چه اساس آنها را انتخاب کردید؟

خودم آنها را انتخاب کردم و بیشتر غزل‌هایی بوده که معمولاً وقتی دلم تنگ می‌شود به سعدی مراجعه می‌کنم و آنها را می‌خوانم و اغلب‌شان غزل‌های مورد علاقه خودم بود و این در طول زمان نسبتاً کوتاهی ضبط شد و من دیگر از آن خبر نداشتم چون به عهده پیمان سلطانی بود که مراحل اجرای آن را دنبال کند.

از چه زمانی سعدی خوانی را شروع کردید؟ از جوانی شروع کرده‌ام، شاید از ۱۵ یا ۱۶ سالگی

کتاب

درباره کتاب «چیزی به تابستان نمانده» بهاران بنی‌احمدی



داستان «چیزی به تابستان نمانده» نوشته بهاران بنی‌احمدی روایت تودرتو اما خوش‌خوانی دارد و اثری غافلگیرکننده از نویسنده‌ای است که روزنامه‌نگار و بازیگر است، اما در نخستین اثر داستانی خود، قلمتانی در مقام داستان‌نویس یک سرورگردن بالاتر از بازیگران و هنرپیشه‌های دیگری است که در عرصه داستان نویسی قلم‌آزمایی کرده‌اند. «چیزی به تابستان نمانده» لحظاتی دارد که تورا در حال‌وهوای نویسنده نوستالژی‌نویس محبوب «گلی ترقی» می‌برد، اما برعکس او که آثار اخیرش ناامیدکننده است، درخشان است. کتاب قصه جمع‌وجوری دارد. نویسنده با دقت و استفاده به‌جا از فرمی که در خدمت می‌گیرد، داستان‌ش را درست تعریف می‌کند. داستان با احساسات سروکار دارد، اما به سمت احساسی

شدن و احساسی کردن پیش نمی‌رود، همه اینها کنترل شده است و بی‌هیچ اضافه‌گویی همراه است. داستان حرفی برای گفتن دارد، اما این حرف را وقتی و جوری می‌زند که مخاطب احساس شعاری بودن نمی‌کند. داستان سرخوشی و منطقی دارد که مخاطب را تا پایان نگه می‌دارد، طوری که بخواهد دوباره آن را بخواند و منتظر کتاب‌های بعدی نویسنده باشد و امیدوار بماند که نویسنده معرّب اثرش نشده باشد و نوشتن را ادامه دهد و باز هم تجربه کند و تکرار نکند. امیدوارم این کتاب در لابه‌لای کتاب‌های چاپ شده در قفسه‌های کتابفروشی گم نشود. به زعم من این کتاب برای نسلی کتابخوان و نسلی که می‌خواهد کتاب خواندن را تازه شروع کند می‌تواند خواندنی باشد. «چیزی به تابستان نمانده» بهاران بنی‌احمدی غافلگیرکننده است و خواندنی.

چالش اجرای کنسرت از زبان نوازنده و آهنگساز

سامان احتشامی: «فریحی می‌دهم سالانه فقط یک اجرا در کشورم برگزار کنم، چون در ایران اکثر مواقع مناسبت‌هایی وجود دارد که مانع برگزاری کنسرت می‌شود. کنسرتی که من در تابستان برگزار کردم سرخ بود. به سادگی نمی‌شود ۱۰۰ نفر را در طول یک سال بارها روی صحنه برد.»



گفت‌وگو با آیدین آغداشلو درباره عاشقانه‌های سعدی، آخرین مکالمه با کیارستمی و خاطره‌نگاری

می‌خواهم حافظه تاریخ و فرهنگ کشورم باشم



آیدین آغداشلو

زمینی وجود دارد. یعنی سعدی همان‌طور که انسان را به آفاق بسیار گسترده‌تری هدایت می‌کند، در عین حال یک انسان‌شناس و جامعه‌شناس هم هست و این جنبه عمده‌ای است که بیشتر آن را در گلستان و بوستان پیدا می‌کنیم یعنی به مرادوات انسانی توجه می‌کند و درباره اینها نصیحت نمی‌کند که اغلب به غلط مشهور است که نصیحت می‌کند، نه اغلب اینها را مطرح می‌کند. روابط انسان با جامعه در کارهایش فوق‌العاده اهمیت دارد. این تعادل و هم‌جانبگی جهان‌ش همیشه من را مجذوبش کرده است.

شروع کردم البته علاقه من به شاعران مهم تاریخ ادبیات ایران فقط به سعدی محدود نمی‌شده، از مولوی تا حافظ و خیام مخصوصاً همیشه موردعلاقه‌ام بوده است ولی در طول زمان و آرام آرام با سعدی انس و الفت بیشتری پیدا کردم. من خودم را همیشه یک سعدی‌دوست می‌شناسم. همان اندازه که به نقاشی دوره تیموری علاقه‌مندم، شعر سعدی را هم دوست دارم و هرچا که مجالش پیش آمده است، سعدی را تبلیغ کرده‌ام. هر وقت خواسته‌ام لطفی به دوستی بکنم که با من نشست و برخاست می‌کند، شعری از سعدی می‌خوانم و همیشه هم در حال سعدی‌خوانی گریه کرده‌ام.

از لحاظ نقاشی و مجسمه‌سازی چقدر به سعدی پرداخته شده است؟ در حق سعدی آنچه واجب بوده به جا آمده است، یعنی ملت ما همیشه دین خودش را نسبت به سعدی فراموش نکرده است. شاید در دوره‌های میان این پنج شاعری که همیشه حضور داشته‌اند یک تفاوت اولویت‌هایی بوده، یک دوره‌ای شاید بیشتر به سعدی پرداخته‌اند و بیشتر محبوب بوده یا محبوب نظر بوده و همان‌طور در دوره‌هایی

معماری

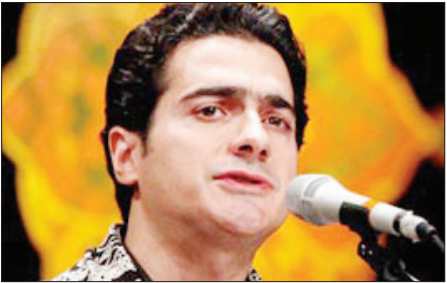
تیم ایرانی-آلمانی برنده یک رقابت معماری در روسیه شد

گروه ادب و هنر جایزه اول مسابقات طراحی دانشکده مسکوبه به یک تیم دونفره معماری از ایران و آلمان رسید. طرح پیشنهادی مریم فاضل و بلیندا ارکان با نام قاب یا بال حشرات در این مسابقه توجه‌ها را به خود جلب کرده‌است. این طرح گوشه‌های برش خورده و طراحی غیرمتعارف است که بر فراز منطقه Moscow’s Tverskoy جانمایی شده است، منطقه‌ای که ویژگی‌های شاخص آن، چشم‌اندازی هنرمندانه و روبه رشد در این شهر



روحم از این دعوت خبر ندارد

همایون شجریان در واکنش به سخنان فریدون شهبازیان برای حضور او در ارکستر ملی و اجرای کارهای پدرش گفته‌است: «با تمام احترامی که برای هنر آقای شهبازیان قائل هستم باید اعلام کنم که روح از این دعوت خبر ندارد. اما قصد دارم در آینده نزدیک این قطعات و کارهای پدر را با گروه سیابوش اجرا کنم.»



شاید خیام یا مولوی یا ... مد نظر بوده‌اند. بنابراین شاید عمر من شاهد دوره‌ای باشد که حافظ مطرح بوده، ولی جایگاه سعدی هیچ‌وقت تنزلی نکرده و هیچ‌وقت فراموش نشده است، شاعر بزرگ زبان فارسی است. اگر از همه اینها بگذریم و بخواهیم به مساله دیگری اشاره بکنیم مساله دینی است که سعدی مثل فردوسی و حافظ به زبان فارسی ادا کرد؛ یعنی زبان فارسی که ما امروز صحبت می‌کنیم مروهون نظم و نثر فارسی است. از این نظر فوق‌العاده جایگاه عمده‌ای دارد. نقاشی تا دوره‌ای طولانی در حد سفارش گیرنده از ادبیات بوده است. در این دوره‌ها رویکردش به سعدی زیاد بوده است. در دوره اخیر نقاشی هم از ادبیات دور مانده است و هم از اسطوره‌ها. در جهانی که زندگی می‌کنیم به‌شدت اسطوره‌زدایی شده است. هنرمندان نه‌تنها باید حافظه نسل خودشان باشند، بلکه باید حافظه تاریخ و فرهنگ سیرزمین‌شان باشند.

چه خبر از کارهای جدیدتان؟ به علت عارضه‌ای که دست راستم دچارش شد، پنج ماه نقاشی نکشیدم. الان این عارضه برطرف شده و از دو، سه روز گذشته شروع به کار کرده‌ام. این خبر برایم خیلی خوش بود. برای کسی مثل من که این همه دقیق نقاشی کار می‌کند مشکل دست راست مشکل بزرگی است، مشکل عمر و زندگی‌اش است. دوم اینکه پنج ماه تهران نبودم و تازه برگشته‌ام. کارهای دیگری که به‌طور معمول انجام می‌دادم انجام دادم. بخشی از خاطراتم را که می‌نوشتم، تکمیل کردم.

از کتابی بگوئید که قرار است در نشر ثالث با موضوع کیارستمی منتشر شود.

در منزل من مکالمه‌ای را با عباس کیارستمی شروع کردیم. مکالمه‌ای که هرگز با دوست ۶۴ ساله‌ام انجام نشده بود. وقتی این اواخر اشاره شد به اینکه مکالمه مستقل چاپ شود، من تایید و تشویق کردم. این مکالمه تبدیل به کتابی نازک شده ولی ملحقاتی دارد، از عکس‌هایی که در آن ملاقات گرفته شده و از عکس‌های دیگری که وجود داشته است. به نظر من مکالمه بدی نشده برای اینکه آخرین صحبت مفصلی است که عباس در زمان حیاتش انجام داده است.

با عباس کیارستمی در این مکالمه بلند در مورد چه چیزی صحبت کردید؟ مرگ و زندگی و خاطرات مشترک. در مورد جوانی و کودکی. ما از چهارده سالگی با هم هم‌مدرسه‌ای و دوست بودیم و ماندیم. من خودم از این مکالمه خیلی راضی بودم چون خیلی ساده و بدون پیچیدگی است. هیچ مساله تصنعی و رسمی‌ای در آن وجود ندارد، از این نظر برایم جذاب بوده و هست.

است. ساختار و فرم پروژه رو به بالا و تحت عنوان یک پوسته محافظ گشوده می‌شود که به این ترتیب دو فضای عمومی و خصوصی از ساختمان را به نمایش می‌گذارد. دسترسی به پشت بام برای عموم مردم آزاد است و علاوه‌بر این‌که به‌عنوان یک منطقه سیرکولاسیون عمل می‌کند، یک محدوده انتظار و نمایشگاهی را نیز فراهم می‌کند که فرصتی را برای بهره بردن از نشاط فضا و طراحی داخلی میسر می‌سازد.

